



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم صاحب عروة در آغاز فصل ششم می فرماید اگر صائم مفطرات مذکور را عمدأ و اختیاراً انجام دهد علاوه بر قضا کفاره هم دارد ، ما اول باید ببینیم طبق فرمایش ایشان آیا در روایات ما شکستن روزه عمدأ و اختیاراً موجب قضا و کفاره است یا نه ؟ که این می شود کبری و بعد باید ببینیم صغریات این کبری در چه مواردی است ؟ خوب فعلاً ما در کبرای کلی بحث می کنیم و عرض کردیم که خبر ۱ از باب ۸ از ابواب مایمسک عنه الصائم بر این کبرای کلی دلالت دارد ، خبر ان است : « محمد بن یعقوب ، عن عده من أصحابنا ، عن أحمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن محبوب ، عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله عليه السلام فی رجل أفطر من شهر رمضان متعمداً يوماً واحداً من غير عذر ، قال : يعتق نسمة ، أو يصوم شهرين متتابعين ، أو يطعم ستين مسكيناً ، فإن لم يقدر تصدق بما يطيق » . خبر در اعلى درجه صحت از لحاظ سند قرار دارد و مشایخ ثلاثه آن را نقل کرده اند و همانطور که می بینید در خبر گفته شده کسی که عمدأ روزه اش را افطار کند هم قضا دارد و هم کفاره .

خبر بعدی که بر این کبرای کلی دلالت دارد خبر ۵ از باب ۶ از ابواب اعتکاف است ، خبر این است : « و باسناده عن علی بن الحسن ، عن عبدالرحمن بن ابی نجران ، عن صفوان ابن یحیی ، عن سماعة بن مهران ، عن ابی عبدالله عليه السلام قال : سألته عن معتكف واقع أهله؟ قال : عليه ما علی الذی أفطر يوماً من شهر رمضان متعمداً : عتق رقبة ، أو صیام شهرين متتابعين ، أو إطعام ستين مسكيناً » . خبر موثق است چون علی بن الحسن بن فضال فطحی المذهب است و اسناد شیخ به او خوب است و این خبر هم دلالت دارد بر اینکه اگر کسی افطر يوماً من شهر رمضان متعمداً باید هم قضا کند و هم کفاره بدهد ، بنابراین کبرای کلی در روایات ما (وجوب قضا و کفاره) همین بود که به عرضتان رسید .

خوب بحث دیگر اینکه در دو روایتی که خواندیم کلمه افطر به کار برده شده حالا ما می خواهیم ببینیم آیا کلمه افطر مخصوص اکل و شرب است یا اینکه اعم از آن است یعنی مطلق به هم زدن روزه ؟ در واقع ما می خواهیم در صغری بحث کنیم . دیروز عرض کردیم که صاحب جواهر می فرماید افطار لغتاً ظهور در اکل و شرب دارد بنابراین کبرای

کلی (وجوب قضا و کفاره) فقط به اکل و شرب اختصاص دارد ولی در مقابل ایشان آقای خوئی و حاج آقا رضای همدانی گفتند که اگر افطر لغتاً هم ظهور در اکل و شرب داشته باشد ولی افطار در روایات اهل بیت (ع) اعم است از هر نوع شکستن روزه چه با اکل و شرب باشد و چه با غیر از آن یعنی ما قرائتی داریم که اهل بیت (ع) افطر را در معنای عامی به کار برده اند و ما در مقابل صاحب جواهر می خواهیم عرض کنیم که افطر همانطور که در کلمات فقهای ما و در روایات ما آمده است دلالت بر اعم از اکل و شرب و غیره می کند و دلیل ما اخباری است که خدمتتان عرض می کنیم ، البته کلمه افطر تارة در روایات ما در مقابل دیگر مبطلات مثلاً جماع ذکر شده است ولی کثیراً در معنایی اعم از اکل و شرب و دیگر مبطلات استعمال شده است ، مثلاً در خبر ۱ از باب ۱۰ از ابواب مایمسک عنه الصائم افطر در مقابل جماع استعمال شده است ، خبر این است : « محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن علی بن الحسن بن بابويه عن عبدالواحد بن محمد بن عبدوس النیسابوری عن علی بن محمد بن قتیبة عن حمدان بن سلیمان عن عبد السلام بن صالح الهروی قال : قلت للرضا (ع) : یا بن رسول الله قد روی عن أبانک (ع) فی من جامع فی شهر رمضان أو أفطر فيه ثلاثة كفارات ، و روی عنهم ایضا كفارة واحدة ، فبأی الحدیثین نأخذ ؟ قال : بهما جميعا ، متى جامع الرجل حراماً أو أفطر علی حرام فی شهر رمضان فعليه ثلاث كفارات : عتق رقبة ، و صیام شهرين متتابعين ، و إطعام ستين مسكيناً ، و قضاء ذلك اليوم ، و إن كان نکح حلالاً أو أفطر علی حلال فعليه كفارة واحدة ، و إن كان ناسياً فلا شيء علیه » . همانطور که می بینید در خبر گفته شده افطر او جامع یعنی افطر در مقابل جامع و نکح استعمال شده است .

خبر بعدی خبر ۳ از باب ۱۰ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد که خبر این است : « محمد بن علی بن الحسن باسناده عن ابی الحسن محمد بن جعفر الأسدی فیما ورد علیه من الشیخ ابی جعفر محمد بن عثمان العمری - یعنی عن المهدي (عج) - فیمن أفطر يوماً من شهر رمضان متعمداً بجماع محرّم علیه ، أو بطعام محرّم علیه ، أنّ علیه ثلاث كفارات » . محمد بن جعفر اسدی از اساتید شیخ صدوق می باشد و شیخ در اینجا این خبر را از حضرت مهدی (عج) نقل می کند و ما کمتر خبری از ایشان در احکام داریم فلذا این خبر بسیار متبرک می باشد ، آقای خوئی در ص ۱۵۴ از جلد ۱۵ معجم رجال حدیث می فرماید که طریق صدوق برای نقل خبر از محمد بن جعفر اسدی تنها این نیست بلکه

**والحقنة وعلى الأقوى فى البقية بل فى الكذب عليهم لا يخلو من قوة نعم
التقى لا يوجبها على الأقوى .**

، بنابراین بحث در اینجا برمی گردد به اینکه در بحث مفطرات که قبلاً خواندیم شما از ادله چه استفاده ای می کنید . بنده در حاشیه عروۃ گفته ام که ما در مسئله ۵۶ از فصل دوم یعنی مایجب الإمساك عنه فقط در قی کفاره را ثابت نمی دانیم زیرا در هیچکدام از روایات متعددی که درباره قی داشتیم ذکرى از کفاره برده نشده بود و لحن روایات فقط دلالت بر قضا داشتند لذا در اینجا هم در حاشیه عروۃ فقط قی را استثناء کردیم .

صاحب عروۃ در ادامه می فرمایند که : **« نعم الأقوی عدم وجوبها فى النوم
الثانى من لجنب بعد الانتباه ، بل و الثالث ، وإن كان الأحوط فيها أيضاً
ذلك ، خصوصاً الثالث . »** اقوی عدم وجوب کفاره در خواب دوم جنب بعد از بیدار شدن می باشد بلکه خواب سوم هم کفاره ندارد اگر چه أحوط این است که در خواب دوم و خصوصاً خواب سوم کفاره ثابت است و ما در گذشته که بحث کردیم گفتیم که فقط در خواب سوم کفاره ثابت است و در خواب دوم فقط باید قضا کند ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

صدوق در نقل از این شخص از چند نفر دیگر هم نقل می کند بعد ایشان چند نفر را اسم می برد و می گوید طریق صدوق علیه ؛ علی بن احمد بن موسی و حسین بن ابراهیم و محمد بن أحمد بن شبانی هم می باشند و بعد آقای خوئی می فرمایند اینها اساتید صدوق می باشند ولی هیچکدام از آنها توثیق نشده اند ، ولی بعضی ها به خلاف آقای خوئی در توثیق نفس استاد صدوق بودن را کافی دانسته اند ، و در ص ۵۰۴ از جلد ۲ جامع الراوات آمده است که اجتماع این چند نفر در نقل حدیثی موجب اطمینان ما صدق و ثاقت می شود که این حرف درست است چرا که ما نمی توانیم بگوئیم چونکه توثیق بخصوصی درباره آنها وجود ندارد لذا موثق نیستند بلکه اجتماع اساتید صدوق در نقل خبری موجب اطمینان ما می شود ، خلاصه توقیعی از جانب حضرت مهدی (عج) به محمد بن عثمان رسیده بوده و ایشان هم از حضرت مهدی (عج) این خبر را نقل می کند ، و همانطور که می بینید در این خبر کلمه **أفطر** هم در مورد جماع و هم در مورد طعام به کار برده شده است فلذا معلوم می شود که **أفطر** اختصاص به اکل و شرب ندارد بلکه در لسان اهل بیت (ع) **أفطر** به شکستن روزه گفته می شود .

اخبار ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۹ از باب ۲ از ابواب مایمسک عنه الصائم نیز دلالت دارند بر اینکه مراد از **أفطر** اعم از اکل و شرب و جماع و کذب علی الله و غیرهم من المفطرات می باشد ، و همچنین در خبر ۱ از باب ۲۲ از ابواب مایمسک عنه الصائم از غبار غلیظ به مفطر تعبیر شده است ، بنابراین با توجه به روایاتی که خواندیم کبرای کلی کلام صاحب عروۃ یعنی وجوب قضا و کفاره در صورت ارتکاب عمدی مفطرات برای ما ثابت و معلوم شد و آن را قبول می کنیم .

همانطور که عرض کردیم صاحب عروۃ در ابتدای فصل ششم می فرمایند که تمام مفطرات مذکوره من غیر فرق بین الجمیع حتی ارتماس و کذب علی الله و حقنه و قی اگر عمداً و اختیاراً انجام شوند موجب قضا و کفاره می باشند منتهی این یک بحث اجتهادی می باشد لذا در حاشیه عروۃ بحث های در این مود شده است که ما قبلاً آن ها را مطرح کرده ایم مثلاً اینکه اولاً آیا شما اجتهاداً آنها را مبطل می دانید یا نه ؟ و ثانیاً اینکه تنها قضا دارند یا اینکه کفاره هم دارند ؟ برخی گفته اند که ارتکاب بعضی از آنها فقط تکلیفاً حرام است روزه را باطل نمی کند و برخی گفته اند مبطل هستند ولی فقط قضا دارند و برخی هم گفته اند هم قضا دارد و هم کفاره ، مثلاً حضرت امام (ره) در حاشیه می فرمایند : **« علی الأحوط فى الكذب على الله و رسوله و الائمة (ع) و فى الارتماس**